



The University of Tehran
Press

Woman in Development and Politics

Quranic foundations of maternal rights with a social approach based on clause 2 of Article 21 of the Constitution

Moslem Taheri Kal Koshvandi^{1✉}  | Atefeh Andarza² 

1. Corresponding author, Assistant Professor, Department of Shia Studies, Faculty of Theology, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran. E-mail: muslimtaheri@ut.ac.ir
 2. PhD student, Department of Shia Studies, Faculty of Theology Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran. E-mail: andarza.a313@ut.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received

Received in revised form

Accepted

Published online

Keywords:

Judicial rights,

Maternal social rights,

Occupational rights,

Quranic foundations.

ABSTRACT

The Qur'an, serving as the primary source of guidance for Muslims, offers a comprehensive framework that safeguards the rights of mothers and provides counsel on a multitude of facets pertaining to the lives of mothers. The 21st principle underscores the government's responsibility to ensure women's rights in accordance with Islamic principles. This includes providing assistance to mothers, particularly during pregnancy and child custody matters, and appointing guardianship of children to deserving mothers as compensation for their envy in the event of Although it was not, it is nonetheless regarded as Shari'i. Consequently, the right to custody is governed by Article 1169 BC, Article 946 BC governs the right to the mother's inheritance, and Article 1107 BC governs the right to the mother's alimony. This article employs a descriptive-analytical approach to examine the Quranic underpinnings of maternal rights from a social perspective, in accordance with clause 2 of Article 21 of the Constitution. Consequently, the objective of this article is to analyze the Quranic underpinnings of certain societal rights pertaining to mothers, as explicated in the Quran and the Iranian legal system in a thoroughly documented and argued fashion. Through an analysis of the Qur'anic verses in conjunction with Clause 2, Article 21 of the Constitution concerning the social rights of the mother, it was determined that these rights are consistent with the principles outlined in the Quran.

Key words: *Judicial rights, Maternal social rights, Occupational rights, Quranic foundations.*

Cite this article: Author, A. A., Author, B. B., & Author, C. C. (year). Article title. *Journal Title*, 56 (1), 1-20. DOI: <http://doi.org/00000000000000000000>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>

Publisher: University of Tehran Press.



انتشارات دانشگاه تهران

زن در توسعه و سیاست

مبانی قرآنی حقوق مادری با رویکرد اجتماعی بر اساس بند ۲ اصل ۲۱ قانون اساسی

مسلم طاهری کل کشوندی^۱ | عاطفه اندرز^۲۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه شیعه‌شناسی، دانشکده الهیات، دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. رایانامه: muslimtaheri@ut.ac.ir۲. دانشجوی دکتری، گروه شیعه‌شناسی، دانشکده الهیات، دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. رایانامه: andarza.a313@ut.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

قرآن به‌عنوان منبع اصلی هدایت مسلمانان، چارچوبی جامع برای حمایت از حقوق مادر فراهم می‌کند و راهنمایی‌هایی در جنبه‌های مختلف زندگی مادران ارائه می‌دهد. در اصل بیست‌ویکم نیز بر وظیفه دولت در تضمین حقوق زن با رعایت موازین اسلامی تأکید شده است و از جمله این وظایف را حمایت از مادران به خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و نیز اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته برای غبطه آن‌ها در صورت نبود ولی شرعی دانسته است. از این رو می‌توان به ماده ۹۴۶ قانون مدنی در باب حق ارث مادر، ماده ۱۱۰۷ درباره حق نفقه مادر و برای حق حضانت به ماده ۱۱۶۸ و ۱۱۶۹ اشاره کرد. نوشتار حاضر به روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این مسئله است که مبنای قرآنی حقوق اجتماعی مادران طبق بند ۲ اصل ۲۱ قانون اساسی چیست. از این رو هدف از این مقاله، بررسی مبانی قرآنی برخی از حقوق اجتماعی زنان در مقام مادری است که به‌طور مستدل و مستند در قرآن و نظام حقوقی ایران پرداخته شده است. با بررسی آیات قرآن در راستای حقوق اجتماعی مادر در بند ۲ اصل ۲۱ قانون اساسی این نتیجه حاصل شد که این حقوق با مبانی قرآنی همسویی دارد و تأمین حقوق مادری در اجتماع مستلزم تلاش و ایجاد سازوکار صحیح دولت و سازمان‌های مربوطه است. در واقع باید طرحی هدفمند در جهت حمایت از مادران در ایفای مؤثر نقش‌هایشان پایه‌گذاری کنند. این راهبردها ممکن است شامل اجرای سیاست‌های مرخصی زایمان، نفقه، حضانت، ارث، تخفیفات شغلی و قضایی مادران باشد.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

تاریخ بازنگری:

تاریخ پذیرش:

تاریخ انتشار:

کلیدواژه‌ها:

حقوق اجتماعی مادری، حقوق شغلی، حقوق قضایی مبانی قرآنی.

کلیدواژه‌ها:

حقوق اجتماعی مادری، حقوق شغلی، حقوق قضایی مبانی قرآنی.

استناد: نام خانوادگی، نام؛ نام خانوادگی، نام؛ و نام خانوادگی، نام (سال). عنوان مقاله، عنوان مجله، ۲ (۴)، ۲۰-۱.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>

© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

مطالعات تاریخی نشان می‌دهد در جوامع گذشته زن از جایگاه مناسبی برخوردار نبوده است، اما پس از ظهور اسلام، برای زنان و به‌خصوص مادران مقام والایی در نظر گرفته شد و به‌تبع آن حقوق زیادی نیز برای زنان و مادران لحاظ شد (Farzand Vahi, 2014: 127-128). در قرون اخیر، تحولات ساختاری و فرهنگی غربی تأثیر زیادی بر عملکرد و اندیشه انسان‌ها گذاشته است و با توجه به رویکرد فمینیستی در جهان غرب، دامنه این تحولات به تدریج به کشورهای شرقی نیز کشیده شد و رفته‌رفته به کم‌رنگ شدن مقام و نقش واقعی زنان و مادران انجامید. در نگاه اسلام، انجام صحیح مسئولیت و نقش هر جنسیتی یاریگر انسان در رسیدن به ارزش‌های اکتسابی است. مادری نیز یکی از نقش‌های متناسب با طبیعت زن است. مادری عبارت است از انجام دادن سلسله‌ای از امور برای فرزندان؛ بنابراین مقام مادر با فرزنددار شدن معنا می‌یابد و معمولاً این احساس با زایمان و در مراحل رشد کودک گسترش می‌یابد. مراقبت، حمایت، صحبت، بازی و تربیت از سلسله اموری است که مادران در ارتباط با فرزندانشان انجام می‌دهند (Alasvand, 2013, Vol. 2: 121).

مقام مادر، با دو بعد مادرشدن و مسئولیت مادری که همان تولید و تربیت انسان است، نیازمند حمایت و ایجاد فضا و شرایطی متناسب و سالم از بعد اجتماعی است. با توجه به اهمیت جایگاه مادر و حقوق مادری در دین اسلام و تأکید قرآن بر این حقوق (Al- Ahqaf: 15; Luqman: 14; Al-Baqarah: 233; An-Nisa: 33-34; At-Talaq: 6-7) و همچنین نگرانی‌هایی که در جوامع مسلمان به‌خصوص در ایران درباره عدم رعایت حقوق مادری وجود دارد، لازم است به جایگاه و حقوق مادران توجه بیشتری شود. بخشی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از نصوص شرعی است، در برخی از مواد قانونی، بعضی از ابعاد حقوق مادران مورد حمایت و توجه قرار گرفته است. اگرچه ممکن است در مرحله اجرا این قوانین با مانع روبه‌رو شود و آن‌چنان که باید از مادر حمایت نشود. اهمیت جایگاه مادران با توجه به سختی‌ها و مشقات زیادی که به سبب فطرت و طبیعتشان متحمل می‌شوند و همچنین کم‌توجهی‌هایی که برخلاف انتظار جامعه مطلوب دینی به مقام والای مادر و حقوق او صورت می‌گیرد، نگارندگان را بر آن داشت تا علی‌رغم پژوهش‌هایی که در حوزه خانواده و حقوق زنان انجام شده، به بررسی مستندات و مبانی قرآنی حقوق حمایتی مادران طبق بند ۲ اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بپردازند. در این بند مقرر شده است که دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی مانند حمایت مادران، به‌خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند تضمین کند. با تحلیل بند ۲ اصل ۲۱ قانون اساسی می‌توان به همسویی آن با مبانی قرآنی در خصوص حقوق مادر پی برد. رویکرد اجتماعی به حقوق مادری بر این امر اذعان دارد که تأمین این حقوق مستلزم تلاش جامعه به‌عنوان یک کل است. در واقع تصدیق می‌کند که دولت‌ها باید سیاست‌ها و برنامه‌هایی را با هدف حمایت از مادران در ایفای مؤثر نقش‌هایشان ایجاد کنند. با تلفیق اصول قرآنی با مفاد قانون اساسی، جوامع می‌توانند راهبردهای جامعی برای حمایت از حقوق مادران تدوین کنند. این راهبردها ممکن است شامل اجرای سیاست‌های مرخصی زایمان، ارائه خدمات مقرون‌به‌صرفه مراقبت از کودکان، ترویج برابری جنسیتی در فرصت‌های شغلی و ارائه برنامه‌های آموزشی در زمینه مهارت‌های فرزندپروری همچنین نفقه، حضانت، ارث، تخفیفات شغلی و قضایی مادران باشد. حفظ این حقوق نه تنها برای تک‌تک زنان ضروری است، بلکه برای ساختن یک جامعه عادلانه و هماهنگ نیز ضروری است. از طرفی نیز تلاش‌های هماهنگ برای پرکردن شکاف‌ها بین تئوری و عمل از طریق افزایش کمپین‌های آگاهی‌بخشی و مداخلات سیاسی با هدف ایجاد محیطی مناسب برای رشد مادران مورد نیاز است. این پژوهش با هدف بررسی مبانی قرآنی حقوق مادری، حقوق مادری در جامعه و خانواده را به‌عنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماعی شناسایی و مستندات قرآنی بند ۲ اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را که به این حقوق اشاره دارد، مطالعه می‌کند.

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه حقوق زن و مادر پژوهش‌های زیادی در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله صورت پذیرفته است. و هریک از مطالعات انجام‌شده با رویکرد خاصی به این موضوع پرداخته‌اند؛ برای نمونه کتاب‌های حقوق زن و خانواده (Hekmatnia, 2013)، بررسی فقهی حقوق خانواده: نکاح و انحلال آن (Mohaghegh Damad, 2000)، حقوق خانواده (Katouzian, 2011) و مقالات «حمایت‌های مالی زنان در نظام حقوق خانواده از دیدگاه اسلام» (Kazemi, 2008)، «حقوق مادران در اسناد بین‌المللی» (Jafari, 2010)، «حق مادری در قوانین موضوعه ایران» (Setayeshpur & Ghasemzadeh, 2020)، «بررسی کم‌توجهی‌های موجود به حقوق مادران در قوانین داخلی و بین‌المللی با توجه به حقوق مادران در قرآن کریم» (Montazerqaem & Shafiee: 2018). اما آنچه وجه تمایز این پژوهش و سایر تحقیقات و مطالعات پیشین است، بررسی مستندات و مبانی قرآنی حقوق مادری با رویکرد اجتماعی براساس بند ۲ اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که ایده اصلی پژوهش پیش‌رو است.

۱-۲. چارچوب مفهومی

چیستی و قلمرو حقوق

اهل لغت، در معنای «حق» تعاریفی ارائه داده‌اند: حق به معنای موجود ثابت، ضد باطل، معنا شده است (Fayyūmī, 1994, Vol. 1: 143; Turayhī, 1996, vol. 5: 148). ابن منظور حق را به معنای ضد باطل و حقوق را جمع آن می‌داند (Ibn Manzūr, 1994, Vol. 10: 49).

واژه «حقوق» در معانی مختلفی کاربرد دارد:

الف) حقوق عبارت است از مجموعه قوانین و مقررات اجتماعی که از سوی خدای انسان و جهان، برای برقراری نظم و قسط و عدل در جامعه بشری تدوین می‌شود تا سعادت جامعه را تأمین سازد (Javadi Amoli, 2010b: 75).

ب) حقوق به معنای امتیازات؛ برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع، حقوق برای هر کسی امتیازهایی در برابر دیگران می‌شناسد و توان خاصی به او می‌بخشد. این امتیاز و توانایی را حق می‌نامند که جمع آن «حقوق» است که از آن به‌عنوان «حقوق فردی» نیز تعبیر می‌شود. حق زوجیت، حق شفعه، حق مالکیت و... به اعتبار این معنی است. این معنا معادل واژه Right است.

ج) حقوق به معنای دستمزد و اجرت، در حقوق اداری به حق الزحمه ماهانه کارمندان دولت حقوق اطلاق می‌شود.

د) گاهی مقصود از حقوق، علم حقوق است؛ یعنی دانشی که به تحلیل قواعد حقوقی و سیر تحول آن می‌پردازد (Katouzian, 2011: 13-14).

بنابراین می‌توان گفت حقوق گاهی به معنای امتیازات، معادل واژه Right است که از آن به‌عنوان حق فردی و شخصی تعبیر می‌شود. گاهی نیز حقوق اعم از حق و تکلیف است؛ یعنی قوانینی که در میان افراد حاکم است و ایجاد حق و تکلیف می‌کند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته است. ابتدا منابع مرتبط با موضوع جمع‌آوری شدند. سپس با مطالعه منابع، مطالب مربوط به مفاهیم کلیدی یادداشت و فیش‌برداری شدند. در مرحله پایانی نیز داده‌ها و اطلاعات گردآوری و تجزیه و تحلیل شد.

۴. یافته‌های پژوهش

در دین مبین اسلام، آزادی و جواز اشتغال و فعالیت اقتصادی برای بانوان امری انکارنشدنی است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُمْ وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُنَّ لِمَا كَسَبْنَ؛ برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است» (An-Nisa: 32) در این آیه خداوند جواز اشتغال زنان را مانند مردان بیان می‌کند. با توجه به اینکه حقوق مادری در دوران بارداری و شیردهی و حقوق شغلی او مورد تراحم واقع می‌شود، می‌توان ادعا کرد از جمله مسائلی که با توجه به اقتضائات دوران معاصر در مورد حقوق مادران مورد اهتمام بوده است، حمایت از مادران شاغل در دوره بارداری و شیردهی است. اهمیت این موضوع سبب شده برای مادرانی که در کنار مسئولیت خطیر مادری، در اجتماع نیز فعالیت می‌کنند و شاغل هستند، به‌منظور کمترشدن دغدغه‌هایشان و حفظ سلامتی مادران در دوران بارداری و پس از آن، همچنین اهتمام اسلام به تغذیه کودک با شیر مادر، در قانون تمهیداتی مانند مرخصی‌های دوران زایمان و شیردهی، کاهش ساعت کاری، ارفاق‌های شغلی و... در نظر گرفته شود. از قوانینی که برای حمایت از مادران شاغل در این دوران در بخش دولتی و بخش خصوصی وضع شده است، می‌توان به ماده ۳ قانون ترویج تغذیه با شیر مادر، مواد ۷۶-۷۸ قانون کار و ماده ۲۶ آیین‌نامه مرخصی‌ها اشاره کرد؛ بنابراین از آنجا که اسلام پایه احکام و حقوق مربوط به زن را بر مبنای فطرت قرار داده و همسویی شریعت و طبیعت، مبنای صدور حقوق زنان و مردان است (Azimzadeh Ardebili, 2004: 37)، با تمسک به اطلاق آیه «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» می‌توان گفت اعطای حقوق و تخفیفاتی متناسب با شرایط خاص زنان شاغل، در دوران بارداری و شیردهی، مصداقی از رفتار شایسته و حمایت از حقوق مادران شاغل خواهد بود و حاکمیت هم باید در اجرای حقوق وضع شده در مورد مذکور اهتمام ورزد.

از دیگر حقوق اجتماعی مادران، حقوق قضایی است. بر اساس ماده ۱۴۲ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان که در نظام جمهوری اسلامی ایران وارد شده، حق برخورداری از تخفیف قانونی از نظر میزان مجازات یا معافیت از آن یا نحوه اجرا، در صورت ندامت و اثبات توبه زنان بزهکار در زمان بارداری، شیردهی و بیماری است. از آنجا که خداوند در قرآن به اصول و کلیات احکام پرداخته و جزئیات آن در لسان اهل بیت بیان شده است، برای احکام حقوقی از این قبیل شاید نتوان صراحتاً به آیه استناد کرد، بلکه لازم است با استفاده از قواعد اصولی که برگرفته از نص و سنت و اجماع عقلا است و همچنین پذیرفته شده نزد فقهای شیعه است، مورد استناد قرار گیرند.

طبق مفاد ماده ۱۴۲ منشور حقوق زنان در مواردی که مادری مرتکب جرمی می‌شود و از عمل خود پشیمان است، قانون‌گذار می‌تواند با توجه به اطلاق ادله شرعی مانند آیه فوق با تنقیح مناظ و الغای خصوصیت، بنا بر مصالحی مانند بارداری، تربیت فرزند، بیماری، طبیعت لطیف زن که برخی از مفسران قرآن کریم نیز در ذیل آیه ۲۸۲ سوره بقره بدان اشاره کرده‌اند، در مجازات مادران بزهکار تخفیف قائل شود یا آن‌ها را از مجازات معاف سازد (Qutb, 1992, Vol. 1: 236).

علاوه بر این با توجه به قید توبه در ماده ۱۴۲ ماده منشور، همان‌طور که اظهار ندامت و توبه فرد گناهکار از گناه خود، اگر از روی اخلاص و صداقت باشد موجب بخشایش از سوی خداوند رحمان و از بین رفتن آثار گناه در آخرت و حتی بعضاً در دنیا می‌شود، در قوانین حقوق اسلامی نیز که الهام گرفته از آموزه‌های دینی است، جایگاهی برای توبه شخص بزهکار در تخفیف یا ساقط شدن مجازات‌ها در شرایط خاص لحاظ شده است.

۵. بحث

۱-۵. شناسایی مصادیق قرآنی حقوق مادران

در آموزه‌های دینی، مقام مادر دارای جایگاهی ارزشمند و رفیع است. مادرشدن با توجه به ویژگی‌های زیست‌شناختی و روان‌شناختی، بعد از بارداری، در زنان به‌وجود می‌آید و این مسئولیت مهم برعهده آن‌ها قرار می‌گیرد. لذا در قرآن و قانون اسلامی، حقوقی برای حمایت از مادر در نظر گرفته شده تا با رعایت آن سختی‌های این مسیر هموار شود.

۱-۱-۵. حقوق خانوادگی مادران

حقوق خانوادگی مادران شامل حقوقی است که به مادران در مواردی مانند ازدواج، طلاق، نگهداری و تربیت فرزندان، وراثت و موارد مشابه اعطا می‌شود. این امر به‌منظور حصول اطمینان از این است که مادران بتوانند مراقبت و نگهداری بهتری از فرزندان داشته باشند. در ادامه این حقوق با استناد به آیات قرآن به‌تفصیل بررسی می‌شود.

۱-۱-۱-۵. نفقه

نظام حقوقی اسلام در احکام فقهی با تمسک به قرآن و سنت، به حقوق و وظایف متقابل زوجین توجه خاصی دارد. حق نفقه نیز از حقوقی است که در مقام همسری و مادری، برای زن در نظر گرفته شده است. آیات قرآن صراحتاً بر وجوب پرداخت نفقه، هم در زندگی مشترک و هم بعد از طلاق دلالت دارد.

الف) آیه ۲۳۳ سوره بقره: «عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ وَبِرَّ أَنْ كَسَىٰ أَنْ كَسَىٰ لَهُ وَالْوَالِدَاتُ لِأَبْنَائِنَ وَالْوَالِدَاتُ لِأَبْنَائِنَ وَالْوَالِدَاتُ لِأَبْنَائِنَ» (الف) آیه ۲۳۳ سوره بقره: «عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ وَبِرَّ أَنْ كَسَىٰ أَنْ كَسَىٰ لَهُ وَالْوَالِدَاتُ لِأَبْنَائِنَ وَالْوَالِدَاتُ لِأَبْنَائِنَ وَالْوَالِدَاتُ لِأَبْنَائِنَ» است خوراک و پوشاک مادر را به‌طور شایسته (در مدت شیردادن) بپردازد (حتی اگر طلاق گرفته باشد). این آیه مسئولیت پدران در تأمین حمایت مالی در دوران بارداری و شیردهی را برجسته و اهمیت مشارکت پدران را در این دوره حساس تقویت می‌کند. شیخ طوسی در تفسیر آیه فوق آورده است بر پدر کودک واجب است در برابر شیردادن مادر به فرزند او، خوراک و پوشاک مادر را در دوران شیردهی تأمین کند، (حتی) اگر او را طلاق داده باشد (Tūsī, N.d, Vol. 2: 256).

حضرت رسول اکرم (صل الله علیه و آله و سلم) نیز در *حجرات* در مورد نفقه زن فرمودند: «فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ فَإِنَّكُمْ أَخَذْتُمُوهُنَّ بِأَمَانِ اللَّهِ وَاسْتَحَلَلْتُمْ فُرُوجَهُنَّ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَهُنَّ عَلَيْكُمْ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» تقوا پیشه کنید درباره زنان، همانا آن‌ها را به امانت خداوند گرفته‌اید و آن‌ها به نام خداوند بر شما حلال شده‌اند و حق آن‌هاست که رزقشان و پوشاکشان را به‌طور پسندیده و شایسته بدهید (Majlisī, 1983, Vol. 21: 405).

ب) آیه ۳۴ سوره نساء از دیگر آیاتی است که برای حق نفقه مورد استناد است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ... وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» در واقع سرپرستی مردان، به‌خاطر تعهداتی است که مردان در مورد انفاق کردن و پرداخت‌های مالی در برابر زنان و خانواده به‌عهده دارند (Makarem Shirazi, 1995, Vol. 3: 371). مفسران، ذیل این آیه اتفاق نظر دارند که بر مرد لازم است امور نفقه و سکنی و غیر این‌ها را برای زن مهیا کند (Zamakhsharī, 1987, Vol. 1: 506; Fakhr al-Dīn al-Rāzī, 2000, Vol. 10: 71;) (Ālūsī, 1955, Vol. 3: 24; Ṭabāṭabā'ī, 1995, Vol. 4: 545; Ṭayyib, 1999, Vol. 4: 72).

ج) همچنین در آیه اول سوره طلاق خداوند می‌فرماید: «لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ...؛ أَنْ هُنَّ رِجَالٌ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» این آیه مربوط به دوران عده پس از طلاق رجعی است که خداوند به‌دلیل منفور بودن طلاق، این فرصت را در اختیار مرد و زن قرار می‌دهد که با حضور زن در منزل شوهر پس از طلاق، احساسات و عواطف میان آن دو برگردد و در صورت پشیمانی به هم رجوع کنند. لذا مفسرین متفق‌القول هستند که با توجه به دستور خداوند به مرد که زن را در دوران عده طلاق رجعی نباید از خانه بیرون کنند، بر مرد واجب است نفقه زن را تأمین کند (Rāwandī, 1985, Vol. 2: 165; Fakhr al-Dīn al-Rāzī, 2000, Vol. 30: 561).

د) از دیگر مستندات قرآنی حق نفقه زن، آیات ۶ و ۷ سوره طلاق است که خداوند فرموده: «أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ...» * لِيَنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيَنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ ... آن‌ها (زنان مطلقه) را هر جا خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست سکونت دهید...* بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند و هر که روزی او تنگ باشد باید از آنچه خدا به او داده خرج کند.»

مفسران در ذیل این آیه گفته‌اند مرد بعد از طلاق همسرش باید در دوران عده در همان مسکن که خود ساکن است، همسرش را نیز سکونت دهد. فراهم کردن مسکن خود مصداقی از نفقه است. البته هر کس به مقدار توانش، مردان توانگر وقتی همسر بچه‌دار خود را طلاق می‌دهند، باید در ایام عده و ایام شیرخواری کودکشان، به زندگی مطلقه و کودک خود توسعه دهند. اگر هم از نظر مالی توان ندارند هر اندازه که قادر است این حق را ادا کند (Fakhr al-Dīn al-Rāzī, 1995, Vol. 19: 532-533; Tabāṭabā'ī, 1995, Vol. 19: 532-533; Fakhr al-Dīn al-Rāzī, 2000, Vol. 30: 564).

بنابراین این نیز ناظر به پرداخت حق نفقه در دوران عده است. لذا اگر زنی از شوهرش با طلاق رجعی جدا شود، به منزله زوجه او خواهد بود و پرداخت نفقه در این دوران بر مرد واجب است. ادامه آیه نیز اشاره به زن باردار دارد که چه در طلاق رجعی و چه در طلاق بائن تا زمان وضع حمل، مرد موظف است نفقه او را پردازد و از او حمایت مالی کند.

۱-۱-۱-۵. مصادیق نفقه در قرآن

نفقه‌ای که مرد باید به همسرش پردازد شامل چه چیزهایی می‌شود؟ آیا محدود به مصادیق خاص و موارد ضروری است؟ یا به طور مطلق تمام احتیاجات زن اعم از ضروری و غیرضروری را شامل می‌شود؟ و به عرف و زمان بستگی دارد؟ در قرآن آیاتی ذکر شده است که تهیه خوراک، پوشاک و مسکن را برای زنان نفقه دانسته است.

الف) خوراک و پوشاک

خداوند در آیه ۲۳۳ سوره بقره به این مهم اشاره کرده و فرموده است: «... عَلَى الْمَوْلودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كَسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ...»؛ و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر)، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیردادن) پردازد (حتی اگر طلاق گرفته باشد)» بسیاری از فقها در باب وجوب نفقه به آیه مذکور استناد کرده‌اند (Shahīd al-Najafī, 1983, Vol. 31: 301; Thānī, 1993, Vol. 8: 438). این بیان به معنای آن است که پدر باید نه تنها نفقه زن و بچه‌های خود را پرداخت کند، بلکه باید برای کودکان خود هزینه‌های پوشش و روزمرگی را نیز تأمین کند. بر این اصل در قرآن به عنوان حقوق زن و کودکان تأکید شده است.

ب) مسکن

فقهای مذاهب با استناد به آیه اول سوره طلاق «لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ» و همین‌طور آیه ۶ سوره طلاق «أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ» بر وجوب تهیه مسکن برای زوجه مطلقه متفق‌القول هستند (Najafī, 1983, Vol. 31: 339)؛ بنابراین زنی که هنوز همسر مردی است و عضو خانواده‌اش به حساب می‌آید، به طریق اولی مستحق مسکن خواهد بود و بر مرد لازم است آن را فراهم کند. از این‌رو مسکن هم مصداق نفقه محسوب می‌شود. چنان‌که در آیات فوق مشاهده شده است، طبق نص صریح قرآن، خوراک، پوشاک و مسکن از مصادیق نفقه محسوب می‌شوند.

ج) سایر احتیاجات

سایر موضوعات مانند خدمات، آموزش، درمان، آرایش، لوازم منزل، خدمتکار و... که در قرآن تصریح نشده مورد اختلاف فقها است. همان‌طور که در کتاب *جوهر الکلام* ذکر شده، برخی از فقها موارد مذکور و امثال آن را جزو نفقه زن نمی‌دانند و برخی دیگر مانند خود صاحب *جوهر معتقدند* همه این موارد با در نظر گرفتن حال زن، زمان، مکان و... به عرف و عادت ارجاع شود که مردان به زنانشان از حیث زوجیت انفاق می‌کنند و فرقی هم بین موارد مذکور و غیرمذکور در آیات و روایات نیست، بلکه همه هزینه‌های متعارف زوجه برعهده زوج است (Najafi, 1983, Vol. 31: 336-337).

ذیل آیه «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَ بِالْمَعْرُوفِ» در تفسیر آمده حقوق زن بر مرد علاوه بر مهر، عبارت از حق نفقه و کسوت و سکنی به مقدار معروف مطابق شئون او و تمکن مرد است. همچنین حق مضاجعت و مواقعت و غیر این‌ها از حقوق مستحبه و بر مرد است که لوازم زندگی زن از خدمت خانه و طبخ و خرید و لباس‌شویی و کناسه و خیاطت و نحو این‌ها را فراهم کند (Tayyib, 1999, Vol. 2: 459). علامه طباطبایی نیز می‌فرماید: در عرف قرآن وقتی دو واژه «رزق» و «کسوت» با هم استعمال می‌شوند، مانند واژه «کسوت» و «نفقه» به غیر از معنای لغوی خود، یعنی غذایی که انسان می‌خورد و لباسی که می‌پوشد، کنایه از مجموع هزینه زندگی و بودجه‌ای که در برآوردن حوائج مادی زندگی خرج می‌شود که بنابراین غیر از غذا و لباس، سایر مایحتاج آدمی از قبیل مسکن و دارو و امثال آن را شامل می‌شود (Tabātabā'i, 1995, Vol. 4: 274). در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی، موارد نفقه زوجه، تا قبل از سال ۱۳۸۱، این‌طور تعریف شده بود: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به‌طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به‌واسطه مرض یا نقصان اعضا».

همان‌طور که در ماده مذکور آمده، تنها تعدادی از احتیاجات زن ذکر شده و به باقی نیازهای زوجه از قبیل دارو، وسایل نظافت و... اشاره‌ای نشده است. اما با توجه به آیه «... وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...» و همچنین قید «به‌طور متعارف» که در ماده فوق از قانون ذکر شده است، می‌توان سایر نیازهای زن را که با توجه به زمان تغییر می‌کند، نفقه دانست. هرچند پس از تغییر و اصلاح این ماده از قانون در سال ۱۳۸۱، تعریف نفقه به این صورت شد: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن، از قبیل مسکن و البسه، غذا و اثاث البیت و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم، در صورت عادت داشتن زن به خادم یا احتیاج او به‌واسطه مرض یا نقصان اعضا». بنا بر آنچه گفته شد می‌توان گفت با توجه به گذشت زمان و تحول یافتن و به‌روزشدن سبک زندگی بشر، باید مصادیق را همچنان که در شرع نیز محدود نشده است، به‌طور مطلق آن را به عرف ارجاع و با شرایط روز تطبیق داد.

۲-۱-۱-۵. شیردهی

از دیگر حقوق مالی مادران، حق دریافت اجرت در مقابل شیردهی است، در واقع مادر نوزاد می‌تواند در قبال شیردهی خود اجرت مطالبه کند. مشهور فقها با استناد به آیاتی از قرآن به این امر فتوا داده‌اند (Shahīd al-Thānī, N.d, Vol. 5: 452). همچنین خداوند در آیه ۶ سوره طلاق صراحتاً به این حق اشاره کرده و تأمین نیازهای مادی مادر در دوران شیردهی را مورد توجه قرار داده و فرموده است: «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ؛ اگر زنان شما حاضر شدند فرزندانان را شیر دهند، اجرت ایشان را بپردازید» و نیز در آیه ۲۳۳ سوره بقره می‌فرماید: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» و بر (پدر) که فرزند برای او متولد شده (واجب) است، خوراک و پوشاک مادران را به‌طور شایسته بپردازد.

ذکر این نکته لازم است که آیه ۶ سوره طلاق به روابط زن و مرد پس از طلاق مربوط است، اما به دلیل اطلاقی که دارد شامل مواردی که ارتباط زوجین باقی است نیز می‌شود. از طرفی نیز اگر مادر بخواهد به فرزند خود شیر دهد، پدر نمی‌تواند مانع او شود و شیردادن را به شخص دیگری بسپارد؛ زیرا مادر نوزاد به استناد آیه ۲۳۳ سوره بقره: «وَأُولَادَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلِينَ

کاملین؛ مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند» نسبت به سایر افراد اولویت دارد. همچنین با استفاده از آیه «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بَوْلًا وَلَا مَوْلُودٌهُ بَوْلًا» هیچ‌یک از پدر و مادر حق ندارند به کودک ضرر برسانند که بیانگر قاعده فقهی لاضرر است، از آنجا که منع کردن مادر از شیردادن به فرزندش، مصداق ضرر به کودک است، از این آیه و قاعده برگرفته از آن استفاده می‌شود که سلب کردن این حق از مادر جایز نیست.

باید به این امر توجه داشت که هزینه شیردادن به کودک با نفقه واجب زن ارتباطی ندارد و کاملاً متفاوت است؛ زیرا نفقه مربوط به تمکین زن دائمی است، گرچه شیرده نباشد. ولی تأمین هزینه شیردهی در برابر شیردادن است، هرچند مادر کودک مطلقه یا نکاح او موقت باشد. پدر کودک موظف است به زن دائمی خود که کودک را شیر می‌دهد، غیر از نفقه واجب زن و به مادر شیرده کودک که طلاق غیررجعی داده شده است و نفقه واجب ندارد، اجرت شیردهی را بپردازد (Javadi Amoli, 2008, Vol. 11: 379).

۳-۱-۱-۵. ارث

در دین اسلام، حق ارث از دیگر حقوقی است که برای زنان و مادران مقرر شده است. در قانون مدنی نیز به قوانین مربوط به ارث کاملاً پرداخته شده و به‌طور کامل براساس فقه اسلامی عمل شده است. براساس تعالیم اسلام، آنچه موجب می‌شود دارایی متوفی به ورثه او منتقل شود، رابطه نسبی و سببی^۱ است (Javadi Amoli, 2010, Vol. 17: 536-537). قرابت سببی زوجین، به سبب عقد زناشویی منعقد می‌شود. همچنین هریک از زوجین از طریق خویشاوندان نسبی ارث می‌برند.

آنچه در این مقال مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، حق و سهم ارث زن در مقام مادری است. در ماده ۹۴۶ قانون مدنی ذکر شده زوجه در صورت فرزندان بودن زوج، یک‌هشتم از عین اموال منقول و یک‌هشتم از قیمت اموال غیرمنقول اعم از عرصه و اعیان ارث می‌برد. طبق ماده ۹۴۸ هرگاه ورثه از ادای قیمت امتناع کنند، زن می‌تواند حق خود را از عین اموال استیفا کند. مبنای قرآنی این حق نیز آیه «... فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثَّمَنُ مِمَّا تَرَكْتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِ تَوْصُونَ بِهَا أَوْ دِينَ...» (An-Nisa: 12) اگر فرزندی داشته باشید، یک‌هشتم برای میراث شما از ایشان خواهد بود، [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش کرده‌اید یا دینی [که باید استثنا شود].»

براساس آیات الاحکام و سخن مفسران ذیل این آیه، چنین برمی‌آید که اگر مردی بمیرد و فرزند داشته باشد، ولو از زن دیگر، زن دائمی بعد از فوت شوهر یک‌هشتم از ماترک اموال متوفی، حق او خواهد بود. لذا طبق قول خداوند و تأکید مفسران، وارثان بعد از عمل به وصیت متوفا یا پرداخت دیونش (در صورت موجود) مستحق سهم‌الارث خود می‌شوند که در این بخش زوجه دارای فرزند منظور است (Husaynī al-Jurjānī, 1984, Vol. 2: 202; Tabātabā'ī, 1995, Vol. 3: 335; Tabarsī, 1981, Vol. 53;) (Qutb, 1992, Vol. 1: 593).

زن در مقام مادری نیز از فرزند خود ارث می‌برد که موجب این ارث نسب است. چنان‌که بیان شد، پدر و مادر و فرزندان میت در طبقه اول نسب قرار دارند. براساس ماده ۹۰۶ قانون مدنی، اگر برای متوفی اولاد یا اولاد اولاد از هر درجه که باشند، موجود

۱. نسبی، دارای سه طبقه است:

الف) افرادی که بی‌واسطه با میت ارتباط دارند؛ مثل پدر و مادر و فرزند. اینان بر دیگران مقدم‌اند و براساس سهم مقرر از میت ارث می‌برند.
ب) کسانی که با یک واسطه با میت ارتباط دارند؛ مانند برادر و خواهر و جد و جده که از طریق پدر یا مادر به میت مرتبط‌اند. این گروه نیز بر افراد دیگر تقدم دارند و براساس سهم مقرر از میت ارث می‌برند.
ج) کسانی که با دو واسطه با میت ارتباط دارند؛ مانند عموها و عمه‌ها؛ زیرا عمو و عمه از راه جد و جد نیز از راه پدر به میت ارتباط دارد. این گروه هرچند از طبقه دوم متأخرند، نسبت به فرزندان عمو و عمه مقدم هستند. آنان نیز براین اساس از میت ارث می‌برند.
سببی نیز دو نوع است: زوجیت؛ ولاء (ولاء نیز سه مرحله دارد: ولاء عتق؛ ضمان جریره؛ و لای امامت).

نباشد، هریک از ابوبن در صورت انفراد تمام ارث را می‌برد و اگر پدر و مادر میت هر دو زنده باشند، مادر یک ثلث و پدر دو ثلث می‌برد. اما اگر مادر حاجب داشته باشد، سدس از ترکه متعلق به مادر و بقیه مال پدر است.

مبنای قرآنی حق ارث مادر طبق ماده قانون فوق، آیه «وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ؛ و برای هریک از پدر و مادر وی [متوفی] یک‌ششم از ماترک [مقرر شده] است، این در صورتی است که [متوفی] فرزندی داشته باشد. ولی اگر فرزندی نداشته باشد و [تنها] پدر و مادرش از او ارث برند، برای مادرش یک‌سوم است [و بقیه را پدر می‌برد] و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش یک‌ششم می‌برد، [البته همه این‌ها] پس از انجام وصیتی است که او بدان سفارش کرده یا دینی [که باید استثناء شود].» (An-Nisa: 11)

علامه طباطبایی در مورد بیشتر بودن یا تساوی سهم مادر نسبت به پدر با استناد به آیه «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (Al-Ahqaf: 15) می‌فرماید اگر سهم مادر برخلاف هر زن دیگر که سهمش نصف سهم مرد است برابر سهم پدر، و در بعضی صور نیز حتی بیش از پدر است، قطعاً به این دلیل است که شارع مقدس خواسته جانب مادر را غلبه دهد و او را شایسته احترام بیشتری نسبت به پدر معرفی کند؛ زیرا مادر از نظر رحم چسبیده‌تر از پدر به فرزند است، و تماس و برخورد او با فرزند نیز بیش از تماس و برخورد پدر است. همچنین مادر در حمل، وضع، حضانت فرزند و پرورش او رنج بیشتری را تحمل می‌کند (Tabataba'i, 1995, Vol. 4: 340).

۴-۱-۱-۵. حضانت

طبق آموزه‌های دینی، برای مادر همچنان که در بحث گذشته مطرح شد، حقوق زیادی بیان شده است که حق حضانت نیز یکی از آن‌ها به‌شمار می‌رود. در تعریف حضانت گفته شده «حضانت نگه‌داشتن طفل، مواظبت و مراقبت از او و تنظیم روابط او با خارج است، با رعایت حق ملاقات که برای خویشان نزدیک طفل شناخته شده است» (Safae & Emami, 2016: 119).

در ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی آمده است: «نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبن است.» زیرا اگر حضانت حق صرف تلقی می‌شد، والدین در اعمال آن مختار بودند و ممکن بود این امر دستاویزی برای گریز از مسئولیت بوده و خود را در قبال طفل متعهد نمی‌دانستند. از سوی دیگر، نمی‌توان حضانت را حکم صرف و ناشی از احکام قانون‌گذار تلقی کرد؛ زیرا والدین می‌توانند در این باره و مطابق با مصلحت طفل با هم تراضی کنند (Haji Azizi, 2015: 108-109).

در مورد حق اولویت در حضانت هریک از ابوبن در ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی گفته شده برای حضانت و نگهداری طفلی که ابوبن او جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند، مادر تا هفت‌سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است و در تبصره این ماده ذکر شده که بعد از هفت‌سالگی در صورت حدوث اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک به تشخیص دادگاه است.

آنچه از لسان دین و قوانین موضوعه برمی‌آید این است که تا وقتی والدین در زیر یک سقف زندگی مشترک دارند، مسلماً این حق برای هر دو متصور است و مشترکاً از طفل نگهداری می‌کنند، اما زمانی که به سبب عواملی مانند طلاق، پدر و مادر طفل جدا از یکدیگر زندگی کنند، درواقع آنچه از حق حضانت به ذهن انسان متبادر می‌شود نیز بعد از مفارقت پدر و مادر است. از لحاظ فقهی براساس اختلاف روایات در این باب، حالات مختلفی برای والدین متصور شد. البته در مورد حضانت کودک تا دو سال اختلافی بین فقها مشاهده نشده است و همه بر این امر متفق‌قولند که تا دو سال حق مادر است. همچنان که خداوند در آیه «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُرْضِعَهُ» (Al-Baqarah: 233) بدان اشاره کرده است.

مفسران نیز براساس آیه فوق معتقدند حق حضانت و پرورش کودک تا دو سال «حولین» برعهده مادر است؛ زیرا کودک در این مدت در مرحله شیرخوارگی به سر می‌برد و به‌خاطر عطوفت و محبت مادری و اینکه فرزند باید غذای خود را از شیر مادر تأمین کند، طفل به مادر واگذار می‌شود و مرد نیز نمی‌تواند به‌اجبار میان مادر و کودک جدایی بیندازد (Tabātabā'ī, 1995, Vol. 2: 361); زیرا در همین آیه به ممنوعیت اضرار تصریح شده است: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ» و در فقه نیز قاعده‌ای به نام لاضرر مطرح است و این امر نیز یکی از مصادیق این قاعده به‌شمار می‌آید؛ بنابراین با توجه به حقی که برای مادر و کودک در این دوران متصور است، پدر نمی‌تواند بر جسم و روح آن‌ها ضربه وارد کند.

متأسفانه برخی از مردان علاوه بر اینکه بنا به دلایلی برای همسر خود احترامی قائل نیستند و موجبات اذیت و آزار آن‌ها را فراهم می‌آورند، بلکه درصدد جدایی مادر و فرزند نیز هستند که این امر هم سبب رنجش عاطفی مادر می‌شود و هم روح لطیف کودک را جریحه‌دار می‌کند و آثار سوئی به‌دنبال خواهد داشت. پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله و سلم) درمورد این‌گونه مردان می‌فرماید: «مَنْ فَرَّقَ بَيْنَ وَالِدَةٍ وَوَلَدِهَا فَرَّقَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَجْبَائِهِ فِي الْجَنَّةِ؛ هر کس بین یک مادر و فرزندش جدایی بیندازد، خداوند متعال در روز قیامت، بین او و دوستانش جدایی خواهد انداخت» (Ibn Abī Jumhūr, 1985, Vol. 2: 249).

اگرچه طبق نظر مشهور فقهای امامیه، حضانت پسر تا دو سال و دختر تا هفت سال با مادر است و پس از آن با پدر است. از آنجا که روایتی مبنی بر این امر وجود ندارد، آنچه از روایات قابل‌برداشت است این است که حضانت فرزندان اعم از پسر و دختر تا هفت‌سالگی با مادر است و مادر نسبت به این امر شایسته‌تر است (Jafari, 2010: 33-34).

قانون مدنی ایران در ابتدا طبق قول مشهور فقها، قانون حضانت مادر را تصویب کرده بود، اما در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۸، مجمع تشخیص مصلحت نظام با تبصره‌ای الحاقی، این قانون را تغییر داد و حضانت کودک بدون ملاک بودن جنسیت تا ۷ سالگی برعهده مادر گذاشت.

۲-۱-۵. حقوق اجتماعی مادران

حقوق اجتماعی مانند دیگر حقوق از جهات مختلفی مورد توجه فقها و حقوق‌دانان قرار گرفته است. این حقوق روابط اشخاص را فقط به‌لحاظ عضو بودن در جامعه تنظیم و اصول و قواعدی برای آن تعیین می‌کند. زنان به‌عنوان عضوی از جامعه از این حقوق بهره‌مندند. برخی از این حقوق قبل از ازدواج و برخی دیگر بعد از ازدواج در مقام مادری برای زنان وجود دارد. در بند ۲ ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تصریح شده که «در طی دوره معقولی پیش و پس از تولد کودک باید حمایت ویژه‌ای از مادران صورت بگیرد» و نیز در همین بند تأکید شده که «به مادران مشغول کار باید مرخصی استحقاقی (همراه با پرداخت حقوق) و مزایای کافی تأمین اجتماعی اعطا شود».

۱-۲-۱-۵. حقوق شغلی

آنچه مسئولیت مادر را نسبت به پدر سنگین‌تر می‌کند، تولید نسل و تربیت فرزندان است؛ زیرا هم سختی‌ها و مشقات دوران بارداری را متحمل می‌شود و هم وظیفه مهم تربیت فرزند برعهده مادر است. به‌منظور تربیت صحیح انسان به‌عنوان یک موجود پیچیده، غیر از مادر جایگزینی مطمئن‌تر و دلسوزتر وجود ندارد؛ بنابراین مادر نقش بسزایی در تحویل انسان‌های خوب و شایسته به جامعه بشری دارد. این نکات رهنمون‌گر اهمیت جایگاه حقوق مادران است که کم‌توجهی به این قشر، آثار نامطلوبی در جامعه به‌دنبال دارد.

در دین مبین اسلام، آزادی و جواز اشتغال و فعالیت اقتصادی برای بانوان امری انکارنشده است. همچنین این امر در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصل ۲۰-۲۱ و همچنین اطلاق اصل ۲۸ قانون اساسی) به‌عنوان یکی از ضوابط حاکم بر نظام اقتصادی کشور به رسمیت شناخته شده است. علاوه بر قانون اساسی در منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۳ این امور مورد تأکید و توجه قرار گرفته است. از جمله مسائلی که با توجه به اقتضات دوران معاصر در مورد حقوق مادران مورد اهتمام بوده، حمایت از مادران شاغل در دوره بارداری و شیردهی است. با توجه به اینکه حقوق مادری در دوران بارداری و شیردهی و حقوق شغلی او مورد ترحم واقع می‌شود. اهمیت این موضوع سبب شده برای مادرانی که در کنار مسئولیت خطیر مادری، در اجتماع نیز فعالیت می‌کنند و شاغل هستند. به‌منظور کمتر شدن دغدغه‌هایشان و حفظ سلامتی مادران در دوران بارداری و پس از آن، همچنین اهتمام اسلام به تغذیه کودک با شیر مادر، در قانون، تمهیداتی مانند مرخصی‌های دوران زایمان و شیردهی، کاهش ساعات کاری، ارفاقات شغلی و... در نظر گرفته شود. از جمله قوانینی که برای حمایت از مادران شاغل در این دوران در بخش دولتی و بخش خصوصی وضع شده است، می‌توان به ماده ۳ قانون ترویج تغذیه با شیر مادر، مواد ۷۶-۷۸ قانون کار^۲ و ماده ۲۶ آیین‌نامه مرخصی‌ها^۳ اشاره کرد.

با توجه به مباحث قانونی مطرح‌شده در باب حمایت از حقوق مادران شاغل در دوران بارداری و شیردهی، جا دارد به مستندات قرآنی این حقوق پرداخته شود. در ابتدا لازم است نظر اسلام در ارتباط با اصل اشتغال زنان روشن شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد براساس آیات قرآن، جواز اشتغال و استقلال زن امری روشن است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «لِّلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا؛ برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است.» (An-Nisa:32) در این آیه خداوند جواز اشتغال زنان را همانند مردان اثبات می‌کند. همچنین در قرآن شواهد دیگری وجود دارد که دلالت بر تشویق خداوند به حضور انسان‌ها در امور اقتصادی دارد. مانند آیاتی که مردم را به جست‌وجوی فضل خدا و طلب

۱. در ماده ۳ قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی مصوبه ۱۳۷۴/۱۲/۲۲ مجلس شورای اسلامی آمده، مرخصی زایمان تا سه فرزند برای مادرانی که فرزند خود را شیر می‌دهند، در بخش‌های دولتی و غیردولتی چهار ماه است.

در تبصره ۱ این ماده آمده، مادران شیرده بعد از شروع به کار مجدد در صورت ادامه شیردهی می‌توانند حداکثر تا ۲۰ ماهگی کودک، روزانه یک ساعت از مرخصی (بدون کسر از مرخصی استحقاقی استفاده کنند) و در تبصره ۲ نیز ذکر شده امنیت شغلی مادران پس از پایان مرخصی زایمان و در حین شیردهی باید تأمین شود.
* الحاق تبصره ۳ به ماده ۳ (مصوبه ۱۳۸۰/۱۲/۲۲ مجلس شورای اسلامی و تأییدیه شورای نگهبان به شماره ۱۹۲۶ مورخ ۱۳۸۱/۱/۱۸: مرخصی زایمان برای وضع حمل‌های دوقلو، پنج ماه و برای زایمان‌های سه‌قلو و بیشتر یک سال با استفاده از حقوق و فوق‌العاده‌های مربوط تعیین می‌شود.
* قانون اصلاح ماده ۳ مصوبه ۱۳۸۶/۴/۶ مجلس شورای اسلامی و تأییدیه شورای نگهبان به شماره ۶۱۰۴۹/۶۳۵ مورخ ۱۳۶۸/۴/۲۵: در ماده ۳ قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی عبارت از چهار ماه به شش ماه و در تبصره ۱ عبارت «حداکثر تا ۲۰ ماهگی» به عبارت «حداکثر تا ۲۴ ماهگی» اصلاح می‌شود.

۲. در قانون کار مصوبه ۱۳۶۹/۰۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام

ماده ۷۶: مرخصی بارداری و زایمان کارگران زن جمعاً ۹۰ روز است. حتی‌الامکان ۴۵ روز از این مرخصی باید پس از زایمان مورد استفاده قرار گیرد. برای زایمان توأمان ۱۴ روز به مدت مرخصی اضافه می‌شود.

تبصره ۱: پس از پایان مرخصی زایمان، کارگر زن به کار سابق خود بازمی‌گردد و این مدت با تأیید سازمان تأمین اجتماعی جزو سوابق خدمت وی محسوب می‌شود.

تبصره ۲: حقوق ایام مرخصی زایمان طبق مقررات قانون تأمین اجتماعی پرداخت خواهد شد.

ماده ۷۷: در مواردی که به تشخیص پزشک سازمان تأمین اجتماعی، نوع کار برای کارگر باردار خطرناک یا سخت تشخیص داده شود، کارفرما تا پایان دوره بارداری وی بدون کسر حق‌السعی، کار مناسب‌تر و سبک‌تری به او ارجاع می‌نماید.

ماده ۷۸: در کارهایی که دارای کارگر زن هستند، کارفرما مکلف است به مادران شیرده تا پایان دو سالگی کودک پس از هر سه ساعت نیم ساعت فرصت شیردادن بدهد. این فرصت جزء ساعات کار آنان محسوب می‌شود و همچنین کارفرما مکلف است متناسب با تعداد کودکان و با در نظر گرفتن گروه سنی آن‌ها مراکز مربوط به نگهداری کودکان (از قبیل شیرخوارگاه، مهدکودک و...) را ایجاد نماید.

۳. به بانوان باردار برای هر بار وضع حمل تا سه فرزند، سه ماه معذوریت و برای فرزند چهارم به بعد دو ماه معذوریت و برای وضع حمل دوقلو چهار ماه و برای وضع حمل دوقلو به بالا یک سال معذوریت با استفاده از حقوق و فوق‌العاده‌های مربوط داده می‌شود. معذوریت وضع حمل جزو مرخصی استعلاجی محسوب می‌شود و تشخیص تاریخ شروع آن برعهده پزشک معالج است.

شیر مادر تأثیر بسیاری بر سلامتی کودک در طول زندگی دارد و حتی فرد را در دوران نوجوانی و بزرگسالی نیز در برابر برخی بیماری‌ها مقاوم می‌کند. از نظر مواد غذایی، شیر مادر کامل‌ترین ماده غذایی به‌شمار می‌رود و به‌ویژه ترکیبات آن در هفت روز اول شیردهی حاوی ایموگلوبولین^۱ (مواد ضد میکروب) است که سبب حفاظت از رودۀ نوزاد می‌شود (Feiz, 2010: 310-312)؛ بنابراین محرومیت کودک از شیر مادر به سبب اشتغال مادر، ضرر زیادی به دنبال خواهد داشت.

برخی از مفسران معتقدند جمله «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» در آیه ۱۹ سوره نساء به مردان خطاب می‌شود و به شوهران اختصاص ندارد و ضمیر (عاشروهن) نیز به (النساء) برمی‌گردد (Javadi Amoli, 2010a, Vol. 18: 160-161). علامه طباطبایی نیز این آیه را مختص مسائل خانوادگی نمی‌داند، بلکه آن را اصلی برای حیات اجتماعی زنان می‌داند (Tabāṭabā'ī, 1374, Vol. 4: 402). همچنین علامه در ذیل این آیه می‌گوید: تفاوت مزایا و امتیازات برخی افراد یا طبقات با برخی دیگر به‌خاطر مصالحی است (Tabāṭabā'ī, 1995, Vol. 4: 406)؛ بنابراین از آنجا که اسلام پایه احکام و حقوق زن را بر مبنای فطرت قرار داده و همسویی شریعت و طبیعت، مبنای صدور حقوق زنان و مردان است (Azimzadeh Ardebili, 2004: 37)، با تمسک به اطلاق آیه «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» می‌توان گفت اعطای حقوق و تخفیفاتی متناسب با شرایط خاص زنان شاغل، در دوران بارداری و شیردهی، مصداقی از رفتار شایسته و حمایت از حقوق مادران شاغل خواهد بود و حاکمیت هم باید در اجرای حقوق وضع‌شده در مورد مذکور اهتمام ورزد.

۲-۲-۱-۵. حقوق قضایی

از دیگر حقوق اجتماعی مادران، حقوق قضایی است. براساس ماده ۱۴۲ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، حق برخورداری از تخفیف قانونی از نظر میزان مجازات یا معافیت از آن یا نحوه اجرا، در صورت ندامت و اثبات توبه زنان بزهکار در زمان بارداری، شیردهی و بیماری است. از آنجا که خداوند در قرآن به اصول و کلیات احکام پرداخته و جزئیات آن در لسان اهل بیت بیان شده است، برای احکام حقوقی از این قبیل شاید نتوان صراحتاً به آیه استناد کرد، بلکه لازم است با استفاده از قواعد اصولی که برگرفته از نص و سنت و اجماع عقلا و همچنین پذیرفته‌شده نزد فقهای شیعه است، مورد استناد قرار گیرند. خداوند متعال در آیه ۴۴ سوره ص، به‌صورت مختصر به داستانی اشاره می‌کند که در آن، همسر حضرت ایوب مرتکب خطایی شده بود و حضرت سوگند یاد کرد که بعد از عافیتش او را صد تازیانه بزند. اما اشاره به نوع جرم و خطای او نشده است. علامه طباطبایی در ذیل آیه می‌فرماید: اگر جرم همسر او و سبب سوگند او را ذکر نکرده برای این است که هم تأدب و هم نام‌برده را احترام کرده باشد (Tabāṭabā'ī, 1995, Vol. 17: 321).

خداوند برای اینکه حضرت، قسم خود را نشکند و احترام همسرش حفظ شود و هم اینکه آسیبی به وی وارد نشود فرمود: «وَ خُذْ بِيَدِكَ ضِعْفًا فَاضْرِبْ بِهِ وَ لَا تَحْتِثْ؛ حال که سوگند خورده‌ای که همسرت را صد ترکه چوب بزنی، تعداد صد ترکه به دست بگیر و آن‌ها را یک بار به زنت بزنی تا سوگند خود نشکسته باشی» (Sad: 55). در معنای کلمه «ضغث» تعابیر مختلفی در زبان مفسران وارد شده است. برخی آن را به معنای کفی (یک مشت) از ریشه یا ساقه گیاه دانسته‌اند (Tabarsī, 1981, Vol. 21: 113). برخی نیز گفته‌اند به معنای دسته‌ای از خوشه ریحان و مانند آن است (Fakhr al-Dīn al-Zamakhsharī, 1987, Vol. 4: 98; Rāzī, 2000, Vol. 26: 399). به هر تعبیر، بیانگر آن است که مجازات با چوب‌های سبکی انجام گرفته است. مفسران^۲ احتمالاتی در باب خطای همسر حضرت ایوب بیان کردند که این مختصر گنجایش، بیان آن را ندارد. اما نهایت امر این است که صدور سوگند حضرت بر مبنای صحیح و نافذ بوده و بنابراین باید به آن عمل می‌شد. خداوند نیز از روی لطف و مرحمت برای تخفیف مجازات،

^۱. Imoglobolin

^۲. طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۱: ۱۱۳؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۲۴۱؛ گنابادی، ج ۳: ۳۱۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵: ۳۰۴

راهی را پیش روی حضرت ایوب قرار داد و این نشان می‌دهد که خداوند در مورد زنان و بالاخص مادران با توجه به مصالحی شدت عمل را نمی‌پسندد.

لذا طبق مفاد ماده ۱۴۲ منشور حقوق زنان، در مواردی که مادری مرتکب جرمی می‌شود و از عمل خود پشیمان است، قانون‌گذار می‌تواند با توجه به اطلاق ادله شرعی مانند آیه فوق با تنقیح مناط و الغای خصوصیت، بنا بر مصالحی مانند بارداری، تربیت فرزند، بیماری، طبیعت لطیف زن که سید قطب نیز در ذیل آیه ۲۸۲ سوره بقره بدان اشاره کرده (Qutb, 1992, Vol. 1: 336) در مجازات مادران بزهکار تخفیف قائل شود یا آن‌ها را از مجازات معاف کند.

علاوه بر این با توجه به قید توبه در ماده ۱۴۲ منشور، همان‌طور که اظهار ندامت و توبه فرد گنهکار، اگر از روی اخلاص و صداقت باشد موجب بخشایش از سوی خداوند رحمان^۱ و از بین رفتن آثار گناه در آخرت و حتی بعضاً در دنیا می‌شود، در قوانین حقوق اسلامی نیز که الهام گرفته از آموزه‌های دینی است، جایگاهی برای توبه شخص بزهکار و تخفیف یا ساقط شدن مجازات‌ها در شرایط خاص لحاظ شده است. در دو ماده ۱۱۴ و ۱۱۵ قانون مدنی در مورد توبه و کیفیت اسقاط یا تخفیف و ارفاق در مجازات آمده: «در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌شود. همچنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضاییه از مقام رهبری درخواست نماید.» طبق تبصره ۱ ماده ۱۱۴ حتی توبه محارب نیز در صورتی که قبل از دستگیری یا تسلط بر او به اثبات برسد، مورد پذیرش و از موجبات سقوط حد می‌شود. همچنین در ماده ۱۱۵ آمده است: «در جرائم تعزیری درجه شش^۲، هفت^۳ و هشت^۴ چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود. در سایر جرائم موجب تعزیر، دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید.»

۶. نتیجه گیری

در دنیای معاصر با توجه به گسترش رویکرد فمینیستی، نقش مادری زنان بیشتر از آنکه به عنوان ارزش تلقی شود، مانعی برای رشد و توسعه فردی در زمینه اشتغال و تحصیل و... به شمار می‌آید. بررسی رویکرد کمال‌گرایانه دین اسلام به جایگاه و حقوق مادر بر اساس کلام خداوند و معصومین، نگاه‌های منفی به این جایگاه را از بین برده و ارزش‌هایی مانند صبر، ایثار، عفت و... را جایگزین آن می‌کند. با توجه به آیات قرآن، لازم است قوه مقننه حقوق مادر را در همه ابعاد مورد توجه و حمایت ویژه‌ای قرار دهد و این حمایت، تنها وضع چند مواد قانونی نباشد، بلکه ضمانت اجرایی داشته باشد و به آن جامعه عمل پوشانده شود؛ زیرا هنگامی که یک زن شاهد احقاق حقوقش نباشد، نیازهایش برطرف نشود و احساس امنیت نداشته باشد، به‌طور قطع وظایفش را به‌درستی انجام نخواهد داد و آثار سوء آن، هم به خانواده و هم به جامعه وارد می‌شود. از آنجا که خداوند مقام مادر را بیشتر از پدر مورد تکریم قرار داده است، انتظار می‌رود قوه مقننه نیز با توجه به مبانی قرآنی، در قوانین حمایت از مادران در اصولی که نیاز به بازنگری دارد، تغییر ایجاد کند و خلأهای حمایت قانونی از مادران را برطرف سازد.

۱. زمر: ۵۳؛ اعراف: ۱۵۳؛ شوری: ۱۲۳؛ انعام: ۱۴۷؛ طه: ۸۲؛ نساء: ۱۱۰

۲. جس بیش از شش ماه تا دو سال - جزای نقدی بیش از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال، شلاق از ۳۱ تا ۷۴ ضربه و تا ۹۹ ضربه در جرائم منافی عفت، محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال، انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها، ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال، ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

۳. جس از نود و یک روز تا شش ماه، جزای نقدی بیش از ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال، شلاق از یازده تا سی ضربه، محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه

۴. جس تا سه ماه، جزای نقدی تا ده میلیون ریال، شلاق تا ده ضربه

تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافع است.

References

- Alasvand, F. (2013). *Woman in Islam*. Qom: Hajar. (In Persian)
- Ālūsī, S. M. (1955). *Rūḥ al-ma'ānī fī tafsīr al-Qur'ān al-'aẓīm*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya. (In Arabic)
- Azimzadeh Ardebili, F. (2004). A semantic study and the status of man's management [qawwāmiyya] and women's human rights from the perspective of the Quran and its comparison with Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women. *Kitāb Naqd Journal*, 31, 20-45. (In Persian)
- Fakhr al-Dīn al-Rāzī, A. U. (2000). *Mafātīḥ al-ghayb*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Arabic)
- Farzand Vahi, J. (2014). Review of Some of Women's political and social rights in Islam. *Quranic Knowledge Research*, 5(16), 123-151. (In Persian)
- Fayyūmī, A. M. (1994). *Al-Miṣbāḥ al-munīr fī gharīb al-sharḥ al-kabīr*. Qom: Dar al-Hijra Institute. (In Arabic)
- Feiz, J. (2010). *My child's nutrition*. Tehran: Amir Kabir Publications. (In Persian)

- Gunābādī, S. M. (1993). *Tafsīr bayān al-sa'āda fī maqāmāt al-'ibāda*. Translated by: R. Khani & H. Riazi. Tehran: Payam-e Noor University Press. (In Persian)
- Haji Azizi, B., Molavi, M., & Hassankhani, R. (2015). "Initiatives and challenges concerning women's right to custody in light of Family Protection Law approved in 2012." *The Quarterly journal of Women and Family Sociocultural Council*, 18, 93-139.
<https://doi.org/10.22095/jwss.2016.33171> (In Persian)
- Hosseini Hamadani, M. H. (1984). *Anwār dirakhshān*. Tehran: Lotfi Bookstore. (In Persian)
- Ḥurr al-'Āmilī, M. (1989). *Wasā'il al-Shī'a*. Qom: Al al-Bayt Institute. (In Arabic)
- Ḥusaynī al-Jurjānī, A. (1984). *Āyāt al-aḥkām*. Tehran: Navid. (In Persian)
- Ibn Abī Jumhūr, M. (1985). *'Awālī l-la'ālī al-'azīziyya fī l-aḥādīth al-dīniyya*. Qom: Dar Sayyid al-Shuhada li-l-Nashr. (In Arabic)
- Ibn Bābawayh, M. (1999). *'Uyūn akhbār al-Riḍā 'alayh al-salām*. Tehran: Jahan Publications. (In Arabic)
- Ibn Manzūr, M. (1994). *Lisān al-'arab*. Beirut: Dar al-Fikr li-l-Tiba'a wa-l-Nashr wa-l-Tawzi'. (In Arabic)
- Jafari, A. (2010). An examination of the possibility of extending the period of women's custody of children. *Journal of Woman in Culture and Art*, 4(1), 25-38. (In Persian)
- Javadi Amoli, A. (2008). *Tafsīr tasnīm*. Vol. 11. Qom: Asra. (In Persian)
- Javadi Amoli, A. (2010a). *Tafsīr tasnīm*. Vol. 17 & 18. Qom: Asra. (In Persian)
- Javadi Amoli, A. (2010b). *Philosophy of human rights*. Qom: Asra. (In Persian)
- Katouzian, N. (2011). *An introduction to law*. Tehran: Sahami Enteshar. (In Persian)
- Majlisī, M. B. (1983). *Biḥār al-anwār*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Arabic)
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsīr nimūni*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. (In Persian)
- Najafī, M. H. (1983). *Jawāhir al-kalām fī sharḥ sharā'i' al-Islam*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Arabic)
- Nūrī, H. M. (1988). *Mustadrak al-wasā'il wa-mustanbaṭ al-masā'il*. Qom: Al al-Bayt Institute. (In Arabic)
- Qummī, A. I. (1988). *Tafsīr al-Qummī*. Qom: Dar al-Kitab. (In Arabic)
- Qutb, S. (1992). *Fī zilāl al-Qur'ān*. Beirut: Dar al-Shuruq. (In Arabic)
- Rāwandī, Q. (1985). *Fiqh al-Qur'ān fī sharḥ āyāt al-aḥkām*. Qom: Library of Ayatollah Marashi Najafi. (In Arabic)
- Ritzer, G. (2005). *Contemporary Sociological Theory*. Translated by: M. Solasi. Tehran: Elmi. (In Persian)
- Safae, H., & Emami, A. (2016). *A concise family rights*. Tehran: Mizan Legal Foundation. (In Persian)
- Shahīd al-Thānī, Z. (N.d). *Al-Rawḍat al-bahiyya fī sharḥ al-lum'at al-Dimashqiyya*. Edited by Mohammad Kalantar. Beirut: Mu'assasat al-'alami li-l-Matbu'at. (In Arabic)
- Shahīd al-Thānī (1993). *Masalak al-Afham to the revision of Sharia al-Islam*. Qom: Institute of Al-Maarif al-Islamiyya.
- Suyūṭī, J. (1984). *Al-Durr al-manthūr fī tafsīr al-ma'thūr*. Qom: Library of Ayatollah Marashi Najafi. (In Arabic)
- Ṭabarsī, F. (1981). *Majma' al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān*. Translated by: Translatoin team. Tehran: Farahani. (In Persian)
- Ṭabāṭabā'i, M. H. (1995). *Tafsīr al-mīzān*. Translated by: M. Baghe Mousavi Hamadani. Qom: Islamic Publishing Office. (In Persian)
- Ṭayyib, S. (1999). *Aṭyab al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān*. Tehran: Islam. (In Arabic)
- The Noble Quran (2012). Translated by: H. Ansarian. Tehran: Kateban Vahy Publications.

Ṭurayhī, F. (1996). *Majma' al-bahrayn*. Tehran: Mortazavi. (In Arabic)

Ṭūsī, M. (N.d). *Al-Tibyān fī tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Arabic)

Zamakhsharī, M. (1987). *Al-Kashshāf 'an ḥaqā'iq ghawāmiḍ al-tanzīl*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.

(In Arabic)

مقاله آماده انتشار